



دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر
فصلنامه‌ی علمی فضای جغرافیایی

سال بیستم، شماره‌ی ۶۹
بهار ۱۳۹۹، صفحات ۷۶-۵۷

*میشم هادی پور^۱
محمد رضا حافظ‌نیا^۲
سید محمد کاظم سجادی پور^۳
محمد رضا خراشادی زاده^۴

بررسی نقش عوامل ژئوپلیتیکی در بحران‌های جنوب آسیا (شبه قاره هند)

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۹/۰۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۴/۲۳

چکیده

از نظر دانش راهبردی یکی از روش‌های پیشگیری از وقوع بحران‌ها داشتن معرفت درباره ماهیت بحران‌ها است. هر چه ابعاد مختلف بحران‌ها بیش تر مورد مطالعه قرار گیرد شناخت بهتر و کامل‌تری حاصل خواهد شد. از سوی دیگر شناخت بحران‌های هر منطقه نقش عمده‌ای در برقراری روابط مسالمت‌آمیز و برعکس وجود روابط تنش‌آمیز با کشورهای آن منطقه دارد. برخی از این بحران‌ها اساساً از ماهیت ژئوپلیتیکی برخوردار هستند. در این میان کم‌تر منطقه‌ای مانند جنوب آسیا را می‌توان یافت که به روشنی بتوان بحران‌های ژئوپلیتیکی را در آن تشریح کرد. جنوب آسیا چند دهه بحران را از جنگ جهانی دوم به بعد تجربه کرده است و بحران‌های ژئوپلیتیکی از ویژگی‌های این منطقه است. این مقاله با روش توصیفی تحلیلی به بررسی بحران‌های ژئوپلیتیکی جنوب آسیا می‌پردازد. نتایج این مقاله نشان می‌دهد کیفیت بحران‌های ژئوپلیتیکی در جنوب آسیا تحت تاثیر عواملی هم چون رقابت قدرت‌های درون منطقه‌ای، بحران‌های سرزمینی، بحران‌های آبی و بحران‌های قومی-مذهبی می‌باشند.

کلید واژه‌ها: بحران، ژئوپلیتیک، جنوب آسیا.

*۱- دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی-جنوب غرب آسیا دانشگاه تربیت مدرس. (نویسنده مسئول). E-mail: Meysamhadipoor54@yahoo.com

۲- گروه جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس.

۳- گروه روابط بین الملل دانشکده وزارت امور خارجه.

۴- دانشگاه عالی دفاع ملی.

مقدمه

مطالعه بحران‌ها و بررسی شیوه‌های مدیریتی و تصمیم‌سازی در خصوص آن‌ها در نظام جهانی پیچیده کنونی از جهات متفاوت حائز اهمیت است. شناخت و درک ریشه‌ها و علل بروز و ظهور بحران‌ها، انواع بحران‌ها و تبعات و پیامدهای آن از یک‌سو و همچنین شناسایی راه‌های مدیریتی و تصمیم‌سازی در مواجهه با بحران‌ها از سوی دیگر، ضمن آنکه فهم جامع‌تری از محیط نظام بین‌الملل فراهم می‌سازد، می‌تواند در جلوگیری از بروز بحران‌ها و به حداقل رساندن آثار منفی آن‌ها ما را یاری رساند. به لحاظ دانش راهبردی یکی از روش‌های پیشگیری از وقوع بحران‌ها به‌ویژه در محیط بین‌الملل داشتن معرفت درباره طبیعت و ماهیت بحران‌ها است. بحران‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی دارای درجات متفاوتی از شدت و ضعف، گستردگی و نیز عمق می‌باشند. از این‌رو، دلایل بروز بحران‌ها و عوامل ایجاد آن‌ها نیز متفاوت است. یکی از روش‌های پیش‌گیری از وقوع بحران‌ها، داشتن معرفت درباره دلایل ایجاد بحران است. هر چه ابعاد مختلف بحران‌ها بیش‌تر مورد مطالعه و تجزیه و تحلیل قرار گیرد و عوامل ایجاد آن‌ها عمیق‌تر ریشه‌یابی گردد، شناخت بهتر و کامل‌تری حاصل خواهد شد از سوی دیگر شناخت بحران‌های هر منطقه نقش عمده‌ای در برقراری روابط مسالمت‌آمیز و حسنه و یا برعکس وجود روابط تنش‌آمیز با کشورهای آن منطقه دارد. تجارب مختلف بین‌المللی مانند بحران قره‌باغ، مناقشات بالکان، مبارزات استقلال طلبانه چین و اوستیای جنوبی و غیره نشان دهنده این است که برخی از این بحران‌ها اساساً ماهیت ژئوپلیتیکی برخوردار هستند که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به اختلافات سرزمینی و آبی، مناقشات قومی-مذهبی و رقابت‌های درون منطقه‌ای اشاره کرد. در مجموع با توجه به نقش مهم شناخت و درک عوامل ایجاد بحران‌های ژئوپلیتیکی در جهت‌دهی به سیاست خارجی و تامین منافع و اهداف ملی؛ سوال اصلی این مقاله بررسی نقش عوامل ژئوپلیتیکی در وقوع بحران‌های جنوب آسیا می‌باشد. کم‌تر منطقه‌ای مانند جنوب آسیا را می‌توان یافت که به روشنی بتوان بحران‌های ژئوپلیتیکی را در آن تشریح کرد هرچند این منطقه دارای موارد متنوعی از بحران‌های ژئوپلیتیکی با کشورهای پیرامونی می‌باشد اما به علت محدودیت، ما در این مقاله صرفاً به بررسی بحران‌های درون منطقه‌ای پرداخته‌ایم. برای رسیدن به هدف اصلی تحقیق یعنی بررسی نقش عوامل ژئوپلیتیکی در وقوع بحران‌های جنوب آسیا؛ ما سه عامل اصلی بحران‌های ژئوپلیتیکی در جنوب آسیا یعنی روابط درون منطقه‌ای، اختلافات سرزمینی و اختلافات قومی و مذهبی را در قالب سه سوال ذیل بررسی کرده‌ایم.

الف) نقش روابط درون منطقه‌ای در بحران‌های ژئوپلیتیکی جنوب آسیا چیست؟

ب) نقش اختلافات سرزمینی در بحران‌های ژئوپلیتیکی جنوب آسیا چیست؟

ج) نقش اختلافات قومی و مذهبی در بحران‌های ژئوپلیتیکی جنوب آسیا چیست؟

ضرورتاً با آگاهی و درک درست از واقعیت‌های جغرافیایی و ژئوپلیتیک فضاهای جغرافیایی، مدیران سیاسی-نظامی و تصمیم‌گیران حکومتی قادر خواهند بود ضمن شناخت ضعف‌ها و توانایی‌های فضاهای پیرامونی به نتیجه‌گیری‌های اصولی و مطلوب در راستای توسعه و امنیت ملی دست یابند. آگاهی و شناخت دقیق از ماهیت تحولات منطقه‌ای پیرامونی و جهانی نقطه آغازین درک درست از فضاهای ملی و جهانی و همچنین مانعی در راه تصمیم‌گیری‌های ذهنی

و غیرواقعی در چارچوب اهداف و منافع ملی هر کشوری است. شناخت دقیق استعدادها و توانایی های توسعه در فضای مناطق پیرامونی، تنگناهای امنیتی، اهداف؛ خواسته ها و علائق ژئوپلیتیکی بازیگران منطقه ای و جهانی تنها مواردی از برآیند شناخت بحران های ژئوپلیتیکی است.

مواد و روش ها

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از جنبه روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی و با استفاده از یافته های کیفی انجام گرفته است از این حیث، روش جمع آوری اطلاعات و یافته های پژوهش به صورت کتابخانه ای که با بررسی کتب، مقالات، نشریات، منابع تاریخی و اسنادی، سایت های اینترنتی و خبرگزاری های معتبر بین المللی می باشد. در پایان با بهره گیری از یافته های به دست آمده از منابع مورد نظر، به تجزیه و تحلیل موضوع مورد پژوهش پرداخته شده است.

پیشینه پژوهش

مفهوم بحران در سیر تحول تاریخی خود در زمینه های متنوع و متعددی (پزشکی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، زیست محیطی، فرهنگی، ایدئولوژیکی، نظامی، دیپلماتیک، استراتژیک، روان شناختی و...) مورد استفاده قرار گرفته است. این مفهوم برای اولین بار در حوزه پزشکی مورد استفاده قرار گرفته و کاربرد آن در حوزه علوم اجتماعی بیش از چند دهه سابقه ندارد. مفهوم بحران مانند بسیاری از مفاهیم دانش بشری که دارای ریشه یونانی است؛ در علم پزشکی به نقطه عطف بیماری اشاره دارد؛ بحران وضعیتی است که نظم سیستم یا بخش هایی از آن را مختل کرده و ثبات آن را بر هم می زند (Mitroff, 1978: 60). همچنین بنا به یک تعریف دیگر، بحران به یک موقعیت سخت ناگهانی و غیرقابل درک گفته می شود که مستلزم واکنش سریع و آنی است این موقعیت ضمن پیشگیری و منفعل نمودن مکانیزم های موثر در فرآیند عادی یک جریان، موجودیت، اهداف و تمام مفروضات مرتبط با آن جریان را تهدید می کند (Okay, 2002: 418). باری بوازن می نویسد: مفهوم بحران در یک رابطه هم نشینی و یا جاننشینی با مفاهیم دیگر همچون، امنیت، قدرت، منافع، اهداف، مصالح، ارزش ها، تهدیدات و فرصت ها که جملگی از مفاهیم مبهم و سیال هستند مصادیق خود را پیدا می کنند (Buzan, 1983: 8). در حقیقت چنین استنباط می شود امکان ارائه تعریف مشخص برای بحران وجود ندارد و بایستی در چهارچوب هر دیدگاه بحران را تعریف کرد (Kazemi, 1987: 12). در حوزه سیاست بین الملل و ژئوپلیتیک معمولاً بحران مشتمل بر حوادثی است که دولت ها به طور مستقیم در آن ذینفع و درگیر هستند هرچند که ترسیم حدود مشخص بین بحران های داخلی و بین المللی در شرایط فعلی جهان تا اندازه ای غیرممکن به نظر می رسد زیرا یک بحران داخلی که در یک کشور حادث می شود قادر است نتایج و آثار زیادی در خارج از مرزهای آن کشور داشته باشد. از طرف دیگر نمی توان حدود ثابتی را میان بحران های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، امنیتی، هویتی و قومی در یک کشور ترسیم کرد زیرا هر کدام از این بحران ها اگر موجد بحران دیگری نباشد دست کم در آن تأثیرگذار بوده و قطعاً پیامدهایی در خارج از مرزهای آن کشور خواهد داشت (Vaezi, 2011: 23). در مجموع از منظر ژئوپلیتیک؛

بحران ژئوپلیتیکی عبارت است از منازعه و کشمکش کشورها و گروه‌های متشکل سیاسی-فضایی و بازیگران سیاسی بر سر کنترل و تصرف یک یا چند ارزش و عامل جغرافیایی. بحران‌ها سرچشمه‌ها و انواع مختلف داشته و از لحاظ کارکردی منجر به خروج سیستم از حالت تعادل و بروز اختلال در وضعیت عادی و فرآیندهای فضای جغرافیایی و زیستگاه انسان‌ها می‌گردند (Hafeznia, 2006: 126). این بحران‌ها دارای چند ویژگی به شرح زیر هستند:

الف) موضوع و عامل بحران، کنترل، مداخله و تصرف یک یا چند ارزش جغرافیایی اعم از طبیعی و انسانی است نظیر مکان، فضا، موقعیت، آب، ابر، منبع معدنی، اقلیت‌ها، جزایر، مکان‌های مذهبی و نظایر آن می‌باشد. از منظر هاگت سرچشمه‌های بحران در روابط بین‌الملل عواملی چون مسیر ترانزیتی کشور محصور در خشکی، تغییر خط مستقیم آب در مرز، مسیر رودخانه مرزی، خط منصف دریاچه مرزی، کنترل سرچشمه رودخانه، گروه اقلیت خارج از کشور، گروه اقلیت مسقر در مرز مشترک، جدائی‌طلب‌های اقلیت‌های داخلی، ذخایر و مکان‌های دارای کارکرد بین‌المللی، پتانسیل تهدید در حاشیه ماورای مرز نظیر مجاورت پایتخت با مرز مشترک، منابع معدنی اعم از استراتژیک و انرژی می‌باشند (Haggett, 2000: 372).

ب) بحران ژئوپلیتیکی از پایداری و تداوم نسبی برخوردار است و به‌سادگی قابل حل و برطرف شدن نیست زیرا موضوع بحران و کشمکش ارزش‌های جغرافیایی هستند که در زمره منافع ملی و جمعی محسوب می‌گردند.

ج) حل بحران‌های ژئوپلیتیکی مستلزم وجود شرایط حسن نیت و روابط دوستانه بین طرفین موضوع بحران (Mojtahedzadeh, 2000: 181-176)، تقسیم پذیر بودن ارزش جغرافیایی و منفعت متعارض، نامتوازن بودن مناسبات قدرت می‌باشد.

د) در بحران‌های ژئوپلیتیکی الگوهای مداخله‌ای چندسطحی شکل می‌گیرد سطوح مختلف بازیگران مداخله‌گر در بحران ژئوپلیتیکی عبارتند از: ۱) مدعیان و طرف‌های منازعه یا سطح محلی، ۲) سطح منطقه‌ای، ۳) سطح فرا منطقه‌ای، ۴) سطح جهانی و کروی و ۵) سطح سازه‌ای یا سازمان‌های منطقه‌ای و جهانی (Hafeznia, 2006: 130).

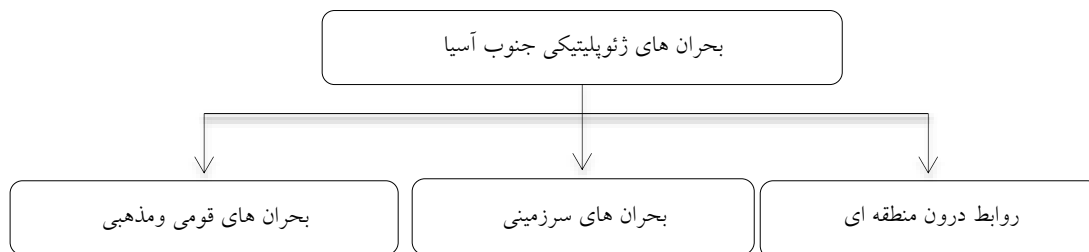
یافته‌ها و بحث

امروزه جنوب آسیا منعکس‌کننده مجموعه‌ای از پدیده‌های متعارض است. نهادهای سیاسی تثبیت شده، و همه هفت کشور منطقه برای اولین بار در تاریخ، حکومت‌های ملی را بنیان گذاشته‌اند که هر یک راه‌های جداگانه برای رسیدن به آرمان‌های شهروندان خود و امر حیاتی برای حفظ ساختار دموکراتیک را دنبال می‌کنند (Banerjee, 1999: 305). مفهوم آسیای جنوبی به‌عنوان یک منطقه ژئوپلیتیک مستقل از حوزه‌های ژئواستراتژیک همجوار و تقسیمات منطقه‌ای آن‌ها، برای نخستین بار در سال ۱۹۶۳ م توسط سوئل کوهن مطرح گردید (Cohen, 2008: 612). به‌صورت رسمی تعریفی در مورد ترکیب کشورهای جنوب آسیا وجود ندارد ولی معمولاً این منطقه را شامل سه کشور در حال توسعه هند، پاکستان و سری‌لانکا و چهار کشور کم‌تر توسعه یافته بنگلادش، نپال، مالدیو و بوتان می‌دانند (Thakur, ۱). (wigen and 2004: 1).



شکل ۱: نقشه سیاسی جنوب آسیا
Figure 1: Political map of south Asia

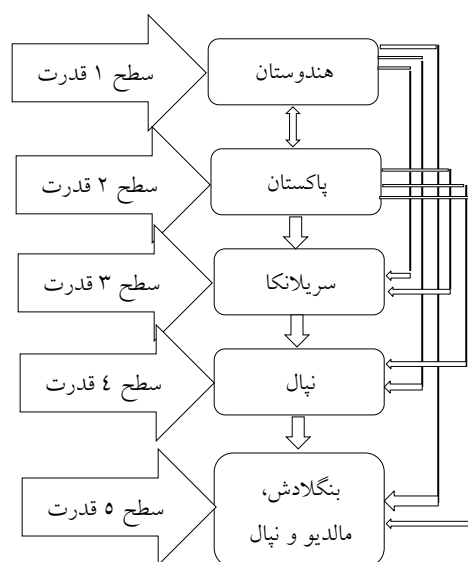
همه ملت های جنوب آسیا با مناطق مجاور ارتباط دارند بوتان، هند و نپال با شمال شرق آسیا با توجه به مرز مشترک آن ها با چین تحت کنترل تبت، ارتباط دارند. مالدیو که عملا در اقیانوس هند واقع شده است با کشورهای جزیره ای کوچکی مانند موریس و سیشل ارتباط دارد و به ظاهر دارای اشتراکات بیش تری با آن ها هست. پاکستان از طریق مرز خود با ایران، ارتباط فیزیکی با جنوب غربی آسیا دارد. سرانجام، هند و بنگلادش در نتیجه مرزهای خود با میانمار، با جنوب شرقی آسیا ارتباط دارند. علاوه بر این، هند به دلیل در اختیار داشتن جزایر آندامان و نیکوبار که قلمرو دریایی آن به مراتب نزدیک به میانمار و تایلند است به خوبی می تواند بخشی از جنوب شرقی آسیا در نظر گرفته شود (Snedden, 2016: 3-10) از لحاظ تاریخی، تمام کشورهای جنوب آسیا دارای پیوند با استعمار انگلیسی هستند مناطقی که از ملت های بنگلادش، هند، پاکستان و سریلانکا (قبلا سیلان) تشکیل شده بودند، به طور مستقیم یا غیرمستقیم توسط بریتانیایی ها اداره می شدند. بوتان و مالدیو، تحت الحمایه بریتانیا بودند. بریتانیا مستقلا نپال را کنترل نمی کرد اما سیاست های دفاعی و خارجی را بر عهده داشت (Snedden, 2016: 3-10). جنوب آسیا چند دهه منازعات را از جنگ جهانی دوم به بعد به دوش کشیده است (شکل ۲). بعضی از آن ها نتیجه میراث به جا مانده از دوره استعمار و حتی قبل از دوره استعمار و برخی دیگر (بیش تر آن ها) به علت مسائلی که در سال ۱۹۴۷ م (بعد از تقسیم شبه قاره هند) رخ داده است سرچشمه گرفته اند (Johnson, 2005: 7).



شکل ۲: بحران های ژئوپلیتیکی جنوب آسیا
Figure 2: South Asian geopolitical crises

روابط درون منطقه‌ای

در سازه ژئوپلیتیکی جنوب آسیا ساختار قدرت تک قطبی می‌باشد و بیشترین رقابت در این منطقه را می‌توان بین هند به‌عنوان قدرت سطح یک و پاکستان به‌عنوان قدرت سطح دو مشاهده کرد و در سطوح بعدی کشورهای دیگر قرار دارند (شکل ۳). از نظر ساختار قدرت منطقه شبه قاره هند از وضعیت نامتوازنی برخوردار است به‌گونه‌ای که هند به تنهایی ۷۵ درصد از جمعیت منطقه، ۷۳ درصد از مساحت کل منطقه را در بر می‌گیرد و به لحاظ قدرت ملی در بین دوازده قدرت برتر جهان قرار گرفته است. اختلاف در وسعت، نیروی انسانی عظیم، ارتش قابل ملاحظه، قدرت تکنولوژیکی و اقتصادی و شخصیت رهبری در سطح منطقه و حتی در سطحی وسیع‌تر، همه این موارد گرایش به سوی نمایش هند به‌عنوان قدرت برتر و مسلط منطقه دارند (Thapliyal, 1999: 51).



شکل ۳: ساختار قدرت در جنوب آسیا

Figure 3: Structure of power in south Asia

وضعیت هندوستان با یک مزیت ژئواستراتژیکی دیگری تقویت شده است؛ هند در مرکز آسیای جنوبی قرار دارد و به‌وسیله مرزهای هند و سرزمین‌های دریایی از هم کشورهای آسیای جنوبی جدا شده‌اند این واقعیت ژئواستراتژیکی بدان معنی است که جنوب آسیا اساساً توسط هند قفل شده است (Snedden, 2016: 3-10)، به عبارتی هند از مزیت جغرافیایی برخوردار است که تمام همسایگانش به‌طور فیزیکی توسط سرزمین هند از یکدیگر جدا شده‌اند. این عدم توازن ژئوپلیتیکی اغلب ترس، سوءظن و حسادت در میان کشورهای کوچک‌تر ایجاد می‌کند. دولت‌های کوچک‌تر در منطقه از تجربیات استعماری خارج شده و به مسائل حاکمیت ملی، هویت و خودمختاری و احتمال سلطه واقعی فرهنگی و اقتصادی همسایه بزرگ خود حساس شده‌اند (Nawaz Khan, 2016: 69).

منازعات و رقابت‌های بین هند و پاکستان باعث حضور و مداخله قدرت‌های فرا منطقه‌ای در جنوب آسیا شده است و اغلب حضور آن‌ها به دعوت یک یا هر دو دولت مزبور بوده است. هر چند هند به لحاظ تاریخی مخالف ورود سایر

قدرت‌ها به منطقه بوده است؛ اما برخلاف این رویکرد در دوران جنگ سرد قدرت‌های بزرگ درگیر منازعات موجود در آسیای جنوبی بودند؛ ایالات متحده آمریکا از حامیان پاکستان و شوروی هم از حامیان هند بود کشور چین نیز در ابتدا با هند بود اما بعداً به سمت پاکستان و دولت‌های کوچک‌تر منطقه حرکت کرد. پیمان نظامی ایالات متحده با پاکستان در سال ۱۹۴۵ باعث تشدید مخالفت هند با جنگ سرد شد با وجود این، بعد از پیمان نظامی ایالات متحده با پاکستان، هند نیز نتوانست بیکار بماند و برای ایجاد توازن به شوروی نزدیک‌تر شد (Shrivastava, 1975: 23). روابط ایالات متحده آمریکا با هند بعد از جنگ سرد به علت عواملی چون فروپاشی شوروی، اهمیت استراتژیکی روزافزون اقیانوس هند، ظهور هند به عنوان قدرت جدید با دموکراسی روبه رشد و پتانسیل اقتصادی، اهمیت یافتن هند به عنوان موازنه دهنده بالقوه چین برای آمریکا و جلوگیری از شکل‌گیری مثلث هند، چین و روسیه، تغییر کرد. (Guihong, 2005: 287). بعد از پایان جنگ سرد روابط هند و روسیه از زمان فروپاشی شوروی شاهد تحولات عمیقی بوده است این روابط در اوایل ۱۹۹۰ به شدت کاهش یافت اما در اواسط این دهه، دهلی‌نو و مسکو به فهم استراتژیکی و سیاسی جدیدی دست یافتند و سرانجام در دولت پوتین مجدداً همکاری پایدار و سازنده خود را از سر گرفتند (Jain, 2003: 375). روسیه به عنوان یکی از قدرت‌های بزرگ حاضر در آسیای جنوبی نگاه خود را به پاکستان اصلاح کرده است. ملاحظات روسیه در آسیای جنوبی از دو عامل نشأت می‌گیرد نخست نگرانی از قدرت‌یابی بنیادگرایان اسلامی در این منطقه دوم تلاش برای حداقل سازی نفوذ آمریکا با حمایت چین و هند (Malek, 2004: 400). چین در دهه‌های اخیر با کمک به پاکستان در حوزه‌های نظامی و اقتصادی نقش اصلی را در توانمندسازی پاکستان برای ایجاد بازدارندگی حداقل در برابر هند را ایفا کرده است. همچنین دو کشور پاکستان و چین در افغانستان و آسیای مرکزی دارای منافع موازی‌اند در حال حاضر چین و پاکستان روابط بسیار نزدیک و مطلوبی دارند (Etaat, 2016: 14). به نظر می‌رسد که آمریکا روسیه و چین به عنوان قدرت‌های بزرگ فعال در آسیای جنوبی حوزه‌های سنتی یکدیگر دست‌درازی کرده‌اند علیرغم تغییرات موجود در روابط قدرت‌های بزرگ نسبت به آسیای جنوبی هنوز هم قدرت‌های مزبور تلاش می‌کنند تا از برتری‌هایشان در روابط هند و پاکستان برای تامین اهداف خود استفاده نمایند.

در کنار این بحران می‌توان به عواملی دیگر در بروز تنش بین این دو سطح از قدرت به برنامه‌های هسته‌ای دو کشور اشاره کرد، تصمیمات هسته‌ای هند بر برنامه‌های پاکستان تاثیر داشته و اسلام‌آباد به لحاظ استراتژیکی دلایل متقنی برای دستیابی به بمب هسته‌ای داشت از جمله دلایل می‌توان به نگرانی‌های پاکستان از تجزیه بیش‌تر این کشور و به‌ویژه بعد از جدایی بنگلادش، ترس اسلام‌آباد از سلطه هند بر شبه قاره و نهایتاً ارزش پرستیژی تسلیحات مزبور برای اسلام‌آباد یاد کرد (Betts, 1979: 58-61).

معادله نپال و هند یک مثال کلاسیک از مانور سیاسی قدرت بزرگ با قدرت کوچک است و نپال اگرچه از لحاظ اقتصادی وابسته به هند است ولی تلاش می‌کند بهترین موقعیت را برای خود حفظ کند. عمده مشکلات بین دو طرف بر اساس نگرانی‌های اقتصادی استوار است. خرید سلاح‌های چینی توسط نپال با اعتراض رسمی دولت هند به خاطر نگرانی از کاهش نفوذ خود در کاتماندو روبه‌رو شد. (Rafi Khan, 2007: 13). روابط بنگلادش پس از کسب استقلال

با هند همواره به صورت روابط برادر کوچک‌تر در مقابل برادر بزرگ‌تر بوده است هند به دلیل دخالت نظامی در ابتدای کسب استقلال بنگلادش این نقش را برای خود محفوظ داشته است. اخیراً هند بنگلادش را به تمجید از پاکستان و همچنین به‌عنوان یک کانال که برای عملیات‌های تروریستی ضد هند فعالیت می‌کند متهم کرد، از سوی دیگر بنگلادش، هند را برای حمایت از شورشیان ضد داکا و چاکما سرزنش می‌کند (Rafi Khan at al., 2007: 13). خشونت‌های قومی در سریلانکا منجر به جدی شدن تنش‌های هند-سری لانکا شد. هند به‌عنوان دولت به‌طور آشکار با تأمیل‌های سریلانکا همدردی می‌کرد. در سال ۱۹۸۷، زمانی که دولت سریلانکا برای بازگرداندن کنترل قلمرو شمالی خود؛ از طریق یک محاصره اقتصادی تلاش می‌کرد، هند به نجات تأمیل‌ها آمد. در ماه ژوئیه ۱۹۸۷، هند تصمیم به ارسال نیروی حافظ صلح هند (IPKF) به سریلانکا تحت توافقنامه‌ای که به دنبال خلع سلاح تأمیل‌ها و دستیابی به صلح بود کرد این توافق باعث خشم بیش‌تر سینهالی‌های سریلانکا شد که این توافق را تلاش هند برای هژمونی بر سریلانکا تصور کردند (Rafi Khan at al., 2007: 12-13).

مالدیو، کشوری که کم‌تر شناخته شده و کم‌تر توسعه یافته از جنوب آسیا است، هیچ‌گونه مناقشه‌ای با همسایگان خود از جمله هند ندارد. مالدیوی‌ها می‌خواهند خود را از سیاست‌های منطقه‌ای و قدرت بین‌المللی منزوی نگه دارند. با این وجود هند و پاکستان برای توسعه روابط دوستانه با جمهوری مالدیو رقابت می‌کنند (RekhaSingh, 2013: 105). با ایجاد شدن سارک جنوب آسیا به عنوان یک هویت منطقه‌ای در سیستم بین‌المللی ظهور کرد اما روابط خصمانه بین کشورهای سارک با آزمایشات اتمی دو کشور هند و پاکستان که فضای جدیدی از تنش و اختلافات در جنوب آسیا را به وجود آورده بود تشدید شده است (Haider, 2001: 434). یک نگرانی که بنگلادش به همراه اعضا سارک دارند سوء ظن نسبت به تلاش هند برای تأثیر مستقیم بر همسایگانش است (Rafi Khan, 2007: 13).

بحران‌های سرزمینی (مرزی و آبی)

الف) اختلافات مرزی

اختلاف بر سر کنترل و مالکیت سرزمین و جایگاه دقیق مرز بین‌المللی از مهم‌ترین عوامل معمول مناقشات بین دولت‌هاست در یک طبقه‌بندی کلی عوامل سرزمینی به دو دسته اختلافات ارضی و اختلافات مرزی تقسیم شده است. منظور از اختلافات ارضی یا سرزمینی، اختلاف در مورد قلمرو و داشتن ادعای سرزمینی نسبت به خاک کشورهای همسایه است. حال آن‌که اختلافات مرزی در اصل بر سر جایگاه و محل دقیق خط مرزی در خشکی و دریاست. اختلافات سرزمینی جنبه اجتناب‌ناپذیر کنش کشورها در نظام جهانی هستند. از زمان امضای پیمان وستفاليا در اوایل قرن هفدهم میلادی، به تدریج مساله تعیین دقیق حدود مرز میان کشورها اهمیت یافته است (Muir, 2000: 90) و به لحاظ پیامدهایی که برای امنیت داخلی و خارجی کشورها دارند از عوامل مهم تعیین‌کننده روابط مسالمت‌آمیز یا برعکس مخاصمت جوینانه بین آن‌ها به‌شمار می‌آیند (Roshandel & Seifzadeh, 2003: 56). ادعاها و اختلافات سرزمینی که به‌نوعی می‌توان انواع مختلف و متفاوت اختلافات مرزی، مالکیت و حاکمیت سرزمینی را در آن‌ها مشاهده کرد. معمولاً این ادعاها و اختلافات سرزمینی دولت‌ها نسبت به یکدیگر به دلیل ایجاد فضای رقابتی در سرزمین مورد

ادعا باعث شکل گیری بحران ژئوپلیتیکی می شوند (Valigholizadeh, 2015: 52). جنوب آسیا اختلافات سرزمینی خاص خود را داراست. یکی از مهم ترین بحران های منطقه جنوب آسیا که در کیفیت و سطح روابط درون منطقه ای و فرامنطقه تاثیر گذار است بحران کشمیر می باشد. می توان گفت مهم ترین مکان استراتژیکی که تنشج میان هند و پاکستان را در آشکارترین شکل خود به وجود آورده است و این تنشج به پیش از تشکیل دولت های آن ها باز می گردد در منطقه منازعه جامو و کشمیر شکل گرفته است طوری که اختلافات سرزمینی بین آن ها با ادعاهای ایدئولوژیکی و مذهبی از استحکام و دوام بیش تری برخوردار شده است (Kemp and Harkavy, 2004: 162). تبدیل این بحران به منازعه در سال ۱۹۴۷م هم زمان با استقلال هند و پاکستان (شرقی و غربی) از بریتانیا آغاز شد وقوع سه رویارویی نظامی در اکتبر ۱۹۴۷، اوریل ۱۹۵۶ و دسامبر ۱۹۷۱ بر سر کشمیر نشان از اهمیت بالای منازعه کشمیر نزد دو کشور است. در زمان تجزیه هندوستان، کشمیر در حاکمیت شاهزاده ی هندو بود که علیرغم جمعیت مسلمان این منطقه، کشمیر را تحت حاکمیت هندوستان قرار داد. سپس مسلمانان طی شورش های وی را از قدرت کنار زده ولی دوباره از سوی نیروهای هندی که برای سرکوب شورشیان مورد حمایت پاکستان به آنجا آمده بودند به قدرت رسید. خط آتش بس کنونی منطقه را به دو بخش تقسیم می کند بخش نسبتا کم جمعیت (نیمی مسلمان و نیمی بودایی) شمالی و غربی در پاکستان که به کشمیر آزاد معروف است و منطقه پر جمعیت جنوبی که ایالت هندی جامو و کشمیر می باشد بخش هندوستان شامل منطقه اکثرا مسلمان "دریاچه کشمیر" از جمله سرینگار، پایتخت این ایالت می شود. منطقه دریاچه کشمیر پر جمعیت ترین بخش و قلب اقتصادی این ایالت می باشد. دوسوم از جمعیت جامو در جنوب نیز هندو هستند (Cohen, 2008: 640). از آنجائی که منطقه کشمیر برای کشور پاکستان که حیات خود را مرهون رودخانه های پنجاب و سند و جلگه های حاصلخیز ناشی از آن می داند از اهمیت استراتژیکی ویژه ای برخوردار است کنترل آن از سوی قدرت رقیب پاکستان منیع تهدید جدی برای آن تلقی شده است. از سوی دیگر هند به این منطقه علاقمند است زیرا اولاً آن را مسلط بر منطقه شمالی هند و پایتخت کشور یعنی دهلی نو و مرکز مذهبی امریتسار می داند و حضور رقبایش یعنی چین و پاکستان را بر جامو و کشمیر، تهدیدی برای خود تلقی می کند دوم اینکه با حضور در منطقه از دسترسی چین به مرزهای شمالی خود جلوگیری می نماید سوم این که با کنترل منطقه می تواند از آن به عنوان اهرم فشاری علیه پاکستان استفاده کند و سیاست خارجی آن را منفعل کند (Hafeznia, 2000: 282-285). منازعه مرزی دیگر میان دو کشور به رود سر کریک مربوط می شود رودخانه ای که هند و پاکستان را در حاشیه جنوب غربی باتلاق نمکی کاج جدا می سازد هند ادعا می کند که مرز خط منصف رودخانه می باشد جایی که وارد دریای عرب می شود و دقیقاً در زیر دهانه سند قرار دارد حال آن که پاکستان بر کرانه راست این رودخانه و بنابراین کل آن ادعا دارد مکان دقیق این مرز در تعیین گستره مرز دریایی اهمیت دارد ادعای پاکستان به آن اجازه می دهد تا ۲۵۰ مایل مربع دیگر را که شاید از ذخایر نفت و گاز هم برخوردار باشد به منطقه انحصاری اقتصادی خود بیفزاید (Cohen, 2008: 642). هندوستان و نپال در مورد کنترل سی مایل مربع سرچشمه رود مهاکالی در امتداد مرز میان دو کشور اختلاف دارند جایی که هندوستان سد سردا را علیرغم اعتراضات نپال بر روی این رودخانه ساخته است در مجموع اختلافات قلمرو هند و نپال عبارتند از

کالاپانی^۵، لیمپیادهورا^۶، سستا^۷، منطقه رودخانه مکشی^۸، تاناکپور^۹، سنداکپور^{۱۰}، توری^{۱۱} می باشند. کالاپانی منطقه‌ای تحت اختلاف سرزمینی در حوزه دارچولا^{۱۲} نیپال است و لیمپیادهورا در حوزه هند است. سستا منطقه دیگری تحت اختلافات سرزمینی، در حال حاضر در تریونی سستا^{۱۳} نیپال و نزدیک نیکول^{۱۴} اوتار پرادش^{۱۵} هند است. منطقه مورد اختلاف بالغ بر ۱۴۰۰۰ هکتار است. (Abhishek et al., 2016: 52). اختلاف بین هندوستان و بنگلادش بر سر جزیره‌ای که در دهانه رود هاریابهانگا، کانالی اصلی که مرز میان هند و بنگلادش را تشکیل می‌دهد، واقع شده است کرانه این رودخانه در طرف هندوستان سه مایل در غرب این جزیره بوده، حال آن‌که کرانه بنگلادش پنج مایل در شرق این جزیره می‌باشد. این جزیره که هندی‌ها آن را مورنو^{۱۶} و بنگلادشی‌ها آن را تالپاتی جنوبی^{۱۷} می‌نامند دارای ذخایر عظیم نفت و گاز می‌باشد اختلاف دو کشور به کنترل منطقه دریایی فلات قاره آن ارتباط پیدا می‌کند. علاوه بر این تعریف منطقه دریایی همچنان مسئله‌ای مهم برای دو کشور است (Cohen, 2008: 642). در سال ۲۰۰۱ هند و بنگلادش خود را در میان یک درگیری مرزی جزئی دیدند این درگیری در اطراف قلمرو مرزی مورد مناقشه در نزدیکی روستای پیروا متمرکز بود اما در هر دو طرف با نیروهای مرزی محدود شد (Truce, 2001: 4). در سال ۱۹۵۶، مناقشات سرزمینی میان هند و سریلانکا در مورد سرزمین خالی از سکنه، کاجچتیو^{۱۸} ظاهر شد (Rekha Singh, 2013: 100).

ب) اختلافات آبی

آب به‌عنوان یکی از عوامل کشمکش و بحران در آینده می‌توان اشاره کرد. منازعه بر سر آب می‌تواند بنا بر دلایل گوناگون رخ دهد دلیل اول به مالکیت آب برمی‌گردد؛ زیرا برخی آن را یک دارایی مشترک و برخی نیز آن را مالکیت خصوصی خود تلقی می‌کنند نگرانی‌ها و کشمکش‌ها بر سر خصوصی‌سازی منابع آب در سطوح مختلف از سطح ملی گرفته تا سطح بین‌المللی به چشم می‌خورد (Laurie, 2007: 853). دومین دلیلی که در زمینه کشمکش بر سر منابع آب وجود دارد به نادر و کمیاب بودن منابع مربوط می‌شود. هنگامی که منابع آب کمیاب باشد، کشمکش و درگیری بر سر مالکیت و بهره‌برداری از آن تشدید می‌شود. سومین دلیلی که می‌توان در این زمینه مورد اشاره قرار داد به نقش آب در توسعه مربوط می‌شود و نمونه بارز آن ساخت سدهای بزرگ است (Ghorbaninejad, 2013: 53). جنوب آسیا در تقسیمات جغرافیایی توده‌ای از زمین را به ارث برده است اما هیچ رودخانه‌ای عمده‌ای در کشورهای پرجمعیت

- 5- Kalapani
- 6- Limpiadhura
- 7- Susta
- 8- Mechi
- 9- Tanakpur
- 10- Sandakpur
- 11- Thori
- 12- Darchula
- 13- Triveni susta
- 14- Nichaul
- 15- Uttar Pradesh
- 16- New moore
- 17- South talpatty
- 18- Kachchativu

جنوب آسیا مانند پاکستان و بنگلادش وجود ندارد. همه آنها از طریق هند به پاکستان و بنگلادش می‌روند. هند هم از لحاظ اندازه و هم موقعیت در منطقه، جمعیت و قابلیت‌های اقتصادی و نظامی در موضع بالقوه هژمونیک نسبت به همسایگان کوچک قرار دارد (Nawaz Khan, 2016: 69). از سوی دیگر واقعیت این است که چشم‌انداز جنگ بر سر منابع آب در آسیای جنوبی موجب نگرانی جهانیان شده است (Ial, 2006: 206). کشورهای جنوب آسیا برای حل اختلافات آبی خود معاهدات مختلفی را امضا کرده‌اند اما در اغلب موارد تحت این معاهدات، مکانسیم های حل اختلاف به‌طور کامل تکامل پیدا نمی‌کنند (پیمان آبی گنگ) یا خواستار اجرای کامل تمام بندهای که در متن و روح پیمان هستند (پیمان آبی ایندوس) (Mahfuz, 2010: 27). ساخت سدها در مکان‌های ساحلی بالا به‌عنوان یکی از موانع عمده در حل و فصل مسائل مربوط به آب فرامرزی در جنوب آسیا است. هند پس از چین و ایالات متحده، "سومین کشور در جهان از نظر ساخت و ساز سد است (Karunakar, 2012: 27). هند چند سد بند و سد بر روی رودخانه‌های غربی ساخته است این پروژه‌ها باعث کمبود شدید آب در پاکستان می‌شود و پاکستان براین باور است که هند از طریق سد، سدبند و انحراف یک طرفه آب، آب‌های رودخانه‌ای که از کنار کشمیر می‌گذرد را حفظ می‌کند و این نقض آشکار پیمان آبی ایندوس است. (Nawaz Khan, 2016: 77). همچنین پروژه برق آبی کیشنگانگا^{۱۹} مورد اعتراض پاکستان واقع شده است این پروژه بخشی از استراتژی آبی هند است که به‌طور انحصاری برای تأثیرگذاری اقتصادی و اجتماعی بر پاکستان طراحی شده است (Ibid: 78-79). کاهش ذخایر آب رودخانه قطعا یک مسئله امنیتی برای پاکستان است که توانایی بقای این کشور را به خطر می‌اندازد (Ahmer Bilal Soofi: 2010). بی‌گمان اقتصاد پاکستان یک اقتصاد کشاورزی است که آب نقش حیاتی دارد.

یکی از موارد اختلافی هند و بنگلادش؛ و نگرانی‌ها بنگلادش سد تایپیموه در هند است دولت هند هیچ‌وقت رسماً به دولت بنگلادش درباره ساخت سد اطلاع نداده است، کارشناسان می‌ترسند که این سد تأثیر بسزایی بر محیط‌زیست بنگلادش داشته باشد که دارای یک حوضه رودخانه‌ای است (Kibria, 2005: 1). اختلاف هند و بنگلادش در سال ۱۹۹۰ به خاطر نگرانی در مورد سد فراکا بدتر شد جایی که هند یک کانال فرعی برای منحرف کردن آب رودخانه به طرف خود ساخته است (McGregor, 2000: 3). اختلاف دیگر هند و بنگلادش در مورد توافقنامه اشتراک آب به‌ویژه در مورد رودخانه تستا است که در سال ۱۹۸۳ بین دو کشور امضا شد که از طریق آن ۳۹ درصد و ۳۶ درصد جریان آب به ترتیب برای هند و بنگلادش اختصاص داده شد. پیش بینی شده بود که این معاهده ویژه در سال ۲۰۱۱ به این نتیجه خواهد رسید که از طریق آن هر دو کشور احتمالاً سهم آب را بر مبنای یکسان قرار می‌دهند، اما به دلیل مخالفت مماتا بنرجی^{۲۰} وزیر بنگال غربی مواجهه شد. او تصریح کرد که به اشتراک گذاشتن آب، به نفع مردم و کشاورزان غرب بنگال نخواهد بود (Nawaz Khan, 2016: 81). در مجموع مسائل عمده‌ای که موجب تحریک روابط هند با بنگلادش می‌شود، به اشتراک گذاری آب‌های گنگ و برهماپاترا و رودخانه فاروقکا، دالان جدید بیکاکا، ادعاهای متضاد در مورد

19- Kishanganga

20- Mamata Banerjee

جزیره جدید مور، مناقشه بر تعریف مرز دریایی، مهاجرت بنگلادشی در سراسر مرزهای ملی و غیره، توزیع آب‌های گانگیک و سیستم‌های رودخانه برهماپوترا بیش از یک دهه توجه هند و بنگلادش را به خود جلب کرده است. (Rekha, Singh, 2013: 87). سهم‌بندی جریان رودخانه ماهاکالی میان هندوستان و نپال همه نمادی از اختلاف بر سر آب در آسیای جنوبی به‌شمار می‌رود (Ial, 2006: 206).

بحران‌های قومی و مذهبی

مرور تحولات سیاسی جهان نشان می‌دهد که در آغاز قرن بیستم، قومیت و ملی‌گرایی قومی منشا رخدادها و چالش‌های داخلی و بین‌المللی پرشماری بوده‌اند که ضمن برهم زدن ثبات سیاسی و یکپارچگی سرزمینی دولت‌ها، به ایجاد و تشدید بحران‌های بین‌المللی مثل جنگ جهانی اول انجامیده‌اند (جدول ۱). گروه‌های قومی، گروهی از افرادی که خود را به‌عنوان یک هویت جمعی متمایز و پایدار ببینند و یا بر اساس اعتقاد به یک منشاء مشترک، یک تاریخ مشترک، یک سرنوشت مشترک، اعمال فرهنگی و باورهای خاص توسط دیگران دیده می‌شوند تعریف می‌گردند. ظواهر فیزیکی، زبان، قلمرو مشترک و اعتقادات مذهبی ممکن است در درجه‌های مختلف به هویت قومی کمک کند (Bukhari, 2013: 783). سیاسی شدن امر قومی، در صورت مهیا بودن شرایط مساعد، زمینه‌ساز خشونت قومی در نهایت پدیده‌ای نام‌آشنایی تحت عنوان تضادهای قومی است. تضاد قومی عمل سیاسی اعضای گروه قومی بر علیه دولت یا گروه‌های قومی دیگر در داخل یک قلمرو سیاسی است که بر حسب میزان خشونت و گستره تضاد قابل درجه‌بندی است تضاد قومی رایج‌ترین شکل تضاد سیاسی و خشونت‌بارترین نوع آن به‌شمار می‌رود (Tilly, 2003: 1). نیمی از دولت‌های جهان تضادهای قومی را در درون مرزهای خود تجربه کرده‌اند و در حدود ۸۰ درصد از قربانیان جنگ در جهان بعد از جنگ‌های جهانی اول و دوم جان خود را در منازعات قومی از دست داده‌اند (Williams, 1994: 5). تضادهای قومی به اشکال و صورت‌های مختلفی بروز کرده است گروه‌های قومی از شیوه‌ها و استراتژی‌های مختلفی مانند اعتراض غیر خشونت‌آمیز، اعتراض خشونت‌آمیز، شورش، جنگ مسلحانه، تروریسم و... برای پیشبرد مقاصد خود سود جستند. بعلاوه مطالبات گروه‌های قومی درگیر در تضادها نیز متفاوت بوده است برخی در تلاش برای کسب موقعیت مسلط در حکومت هستند برخی در تلاش برای خودمختاری به شکل خودمختاری منطقه‌ای، حقوق اقلیت یا جدایی هستند (Esman, 2004: 15). از نقطه نظر قومی، منطقه جنوب آسیا از بسیاری جهات، یکی از پیچیده‌ترین مناطق از نظر دارا بودن کشورهای چند قومیتی است که هریک به خاطر وجود چندین گروه زبانی، منطقه‌ای یا ایالتی، تمایزات همگانی و فرقه‌ای مشخص می‌شوند در حالی که گروه‌های همانند در سرتاسر مرزهای ملی زندگی می‌کنند هنوز، چندفرهنگی یا کثرت‌گرایی یک راهنمای کل حکومت یا حتی فرهنگ سیاسی برای منطقه به‌شمار می‌آید (Sahadevan, 2002: 103). جنوب آسیا در موقعیتی می‌ماند که در حدود سه چهارم دهه پیش شرق و جنوب شرق آسیا بود، سطح بالای خشونت داخلی در داخل هند یادآور وضعیت تایلند در حوالی ۱۹۷۰ می‌باشد. نپال با شورشیان چریکی عمده‌ای نظیر مالایا یا فلپین دهه ۱۹۵۰ یا تایلند دهه ۱۹۶۰ روبروست. سریلانکا با جنگ داخلی مداوم مواجه است پاکستان و بنگلادش با بقایای تشکیلات عشیره‌ای نظیر برمه امروزی و اندونزی دهه ۶۰ روبرو هستند (Overholt, 2008: 203).

پیدایش درگیرهای قومی و جنبش های قومی-هویتی در گذشته استعماری کشور و سیاست تفرقه بینداز و حکومت کن انگلیس نهفته است (Kumar, 2007: 111-112).

جدول ۱- بحران های قومی و مذهبی

Table 1- Ethnic conflict and militarism in south Asia

خواسته ها	رقابت گروه/حزب	دلیل
جدایی	کشمیری، بلوچی، آسامی، ناگس، میوز، میتیس	ترس از دست دادن هویت (به عنوان حمایت از تشکیل سرزمین ملی دلخواه)
جدایی یا استقلال داخلی (خودمختاری)	سیک ها، میتیس، بودوها، لوتسامپا	ترس از ادغام (حمایت از مرز قومی دلخواه)
جدایی یا استقلال داخلی (خودمختاری)	آسامی، سندی ها، تامیل های سریلانکا، قبایل cht، میتیس، تریپوریس	ترس از محرومیت
جدایی یا استقلال داخلی (خودمختاری)	پاکستان شرقی، تامیل های سریلانکا، بلوچستان، مهاجرین، میوزو، سندی ها، آسام، گورخاس، میتیس، تریپوریس	احساس محرومیت
جدایی یا استقلال داخلی (خودمختاری)	پاکستان شرقی، تامیل های سریلانکا، بلوچها، پختونها، قبایل سیکها، آسامها، کشمیرها، درودی ها	احساس ناتوانی (از بزرگی هژمونیک)

reference: (Sahadevan, 1999: 105)

تنوع هندوستان از لحاظ منطقه، زبان، قبیله، طبقه، مذهب و غیره مسئله هویت را بسیار پیچیده تر می کند. هندوستان از زمان قبل از استعمار و پس از استعمار، بسیاری از تناقضات هویت قومی را تجربه کرده است. این کشور از قرن نوزدهم شاهد ظهور جنبش های مختلف قبیله ای در نقاط مختلف بوده است که برخی از آنها به جنبش های تلخ، خشونت آمیز و جداگانه ای علیه غیرقبیله، علیه دولت های ایالتی و علیه دولت هند تبدیل شده اند (Brass, 2010: 151). در پنجاب، جنبش خلیستان (Khalistan) برای راه اندازی یک کشور مستقل سیکا راه اندازی شد؛ در بیهار، جنبش جارکاند (Jharkhand) جهت حفظ هویت جداگانه قبیله ای سنتالاس^{۲۱} به کار گرفته شد. به همین ترتیب، جنبش سرزمین گورخا در غرب بنگال، توسط موضوع هویت گورخا^{۲۲} تحریک شده بود. نمونه های فوق الذکر نشان دهنده جنبش ادعای هویت در هند برای حفظ هویت جداگانه و متمایز است. هند با چالش های بزرگ تر با برخی از مناطقی که خواستار جدایی از سرزمین هند به علت ساختار چند قومی آن هستند، مواجه است. اگر چه هند تلاش کرده است تا این درگیری ها را حل کند، اما بیش تر این اختلافات دست نخورده باقی می ماند. تفاوت های قومی و تاریخی با سرزمین اصلی هند به همراه تلاش های آگاهانه دولت در اجتناب از تقسیم قدرت منجر به خشونت های قومی در شمال شرق و سایر نقاط هند شده است. جنبش های قومی و شورشی های مسلحانه بلافاصله پس از استقلال در منطقه شمال شرقی

21- Santhals

22- Gorkha

شکل گرفتند. شورش‌های مسلحانه در این منطقه در نتیجه تقسیم قدرت نابرابر توسط دولت بود؛ اما تقسیم قدرت باعث فروکش کردن شورش‌ها شد با این وجود، تهدید شورش مسلحانه با تمایلات جدایی طلب همچنان ادامه دارد (Jha, 2017: 9-11). قیام مسلحانه در پنجاب اولین قیام مسلحانه داخلی بود که پس از استقلال هند به وجود آمد. در دهه ۱۹۷۰، تقاضای سیک‌های آکالی در پنجاب برای ایجاد یک دولت پنجابی زبان که در دهه ۱۹۵۰ آغاز شد، به شدت افزایش یافت. آنچه که موضوع را وخیم‌تر کرد تقسیم پنجاب در سال ۱۹۶۶ بود که دولت جدید هریانا (Haryana) را ایجاد کرد این سازمان‌دهی مجدد همچنین منجر به تقسیم و انتقال کنترل منابع آب پنجاب شد که سیک‌ها احساس تقسیم ناعادلانه داشتند (Talwar & Doyle, 2012: 11). منطقه شمال‌شرقی هند به‌طور مشابه شاهد بسیاری از جنبش‌های هویت قومی از زمان شش دهه گذشته است. پس از استقلال این منطقه به دلیل ادعای هویت در میان گروه‌های مختلف قبیله‌ای منجر به شکل‌گیری ایالت‌های جدیدی مانند ناگالند^{۲۳} (۱۹۶۳)، مگالایا^{۲۴} (۱۹۷۱)، میزورام^{۲۵} (۱۹۸۶) و آروناچال پرادش^{۲۶} شد از دهه ۱۹۶۰ میلادی وضعیت شمال‌شرقی هند بسیار حساس است زیرا ادعای هویتی توسط گروه‌های قومی مختلف رو به توسعه است. مدت زیادی است که بسیاری از گروه‌های قومی (ناگاس از ناگالند^{۲۷}؛ کوکیز^{۲۸} و مایتیس منپور^{۲۹}؛ کربای^{۳۰}، دیزاسا^{۳۱} و بدو^{۳۲} آسام و غیره) خواستار تضمین‌های مطابق قانون اساسی و خودمختاری سرزمینی شده‌اند. درخواست‌های مکرری از سوی برخی از بخش‌هایی این گروه‌های قومی برای ایجاد دولت ایالتی جداگانه براساس هویت فرهنگی متمایز آن‌ها مطرح شده است و حتی برخی دیگر نیز تلاش می‌کنند از دولت هند جدا شوند. آسام پرجمعیت‌ترین ایالت در میان تمام ایالت‌های شمال‌شرقی است. در طول یک دوره طولانی، بسیاری از جمعیت قبیله‌ای و غیر قبیله‌ای در آسام زندگی می‌کنند مانند آسامی، کچ رابنشی، بودو، کاجاری، سونوال، میشینگ، راوا، دوری، برمن، چاکما، دیزاشا کاجاری، گارو، خاسی، حاجونگ، هوجی، کوکی، مک، کربای و دیگران؛ نظام اجتماعی در آسام به لحاظ تاریخی دارای ترکیبی چند نژادی، چند مذهبی، چند قومی، چند قبیله‌ای، چندطبقه‌ای و چند زبانی است (Borah, 2016: 20-22).

از نظر مذهبی هند دارای انواع جنبش‌های جدایی طلب مذهبی است که مشهورترینشان سیک‌ها و کشمیری‌ها هستند تنش میان اکثریت هند و اقلیت مسلمان این کشور همچنان موجب بروز منظم خشونت‌های فرقه‌ای می‌شود و خیزش ملت‌گرایی هندو به‌عنوان نیروی سیاسی می‌تواند مبنای اساسی دولت هند را به خطر اندازد (Cohen, 2008: 631). جمعیت مسلمان هند در سراسر شبه قاره هند پراکنده گردیده که بزرگ‌ترین اقلیت کشور هستند. تنش‌های میان هند و مسلمانان که در طی سال‌های اشتیاق برای استقلال و طی برخوردها و رفع اختلافات مجدد پس از تقسیم ایجاد

- 23- Nagaland
- 24- Meghalaya
- 25- Mizoram
- 26- Arunachal Pradesh
- 27- Nagas from Nagaland
- 28- Kukis
- 29- Meiteis from Manipur
- 30- Karbi
- 31- Dimasa
- 32- Bodo

گردید بیش از همه در ایالت های شمالی هند به ویژه گجرات و اوتارپرادش وجود داشته است هرچند که مسلمانان به طور گسترده در سراسر کشور هند پراکنده اند سلطه سیاسی ملی گرایان هندی عامل نگرانی بسیاری از مسلمانان هند بوده است زیرا که حزب ملی گرای هندوی بهاراتیا جاناتا^{۳۳} که به هویت مبتنی بر بنیادگرایی مذهبی هندو تاکید می کند بیش تر حمایت خود را از گروه های شبه نظامی افراطی هند همچون راشتریا سوی ام سواک سانگ^{۳۴} به دست می آورد و به طور مداوم با تخریب مکان مقدس مسلمانان در هند مرتبط بوده است (Kemp, Harkavy, 2004: 162). سریلانکا ابتدا به عنوان یک کشور قوی پس از استعمار با رهبری قوی و فهم سیاسی عمیق ظاهر شد با این حال یک خطا کشور را در ناآرامی های بلندمدت قرار داد از جمله درگیری های سیاسی سریلانکا که از دهه ۱۹۷۰ آغاز شد جنبش جدایی طلب تامیل بود که به طور گسترده ای شناخته شده است (Jha, 2017: 15). این بحران از جمله بحران های تاثیرگذار در منطقه جنوب آسیا است تعداد زیادی از تامیل های هندی مدت طولانی در سریلانکا سکونت دارند از سال ۱۹۷۶ تامیل ها تقاضای تشکیل یک دولت مستقل در قسمت های مسکونی تامیل ها در شمال و شرق سریلانکا دارند و جنبش آن ها به تدریج سرعت بیش تری گرفته و از سال ۱۹۸۳ م با دولت سریلانکا در یک مناقشه واقعی درگیر شده اند؛ سریلانکا حکومت هند بخصوص دولت ایالت تامیل نادو را به فراهم آوردن آموزش و حمایت ارتش تروریست های تامیل در مناطق جنوبی خود، متهم می کند (Jha, 2017: 15؛ Haider, 2001: 427) بنگلادش درگیر اختلافات فرقه ای بین بنیادگرایان اسلامی و نیروهای سکولار است. گاهی اوقات شدت این درگیری بسیار شدید می شود (مانند جریان سفر کلیتون رئیس جمهور آمریکا به بنگلادش در مارس ۲۰۰۰ که او مجبور به لغو برخی از برنامه های سفر خود به دلایل امنیتی شد) (Rekha Singh, 2013: 89). مسئله دیگر اقدامات گروه شانتی باهین است این گروه در مناطق کوهستانی چیتاگونگ بنگلادش فعالیت دارند که نام اصلی این سازمان، انجمن وحدت خلق است این گروه خواهان جدایی مناطق تپه ای چیتاگونگ از بنگلادش است فضای تپه ای و جنگلی چیتاگونگ مساحتی حدود ۵/۵ هزار مایل مربع را شامل می شود. از سوی دیگر یک مشکل بسیار دشوار برای دولت هند؛ سیر جمعیت از بنگلادش به هند به دنبال یافتن چشم انداز اقتصادی بهتر است. مهاجران بنگلادشی، هرچند که عمدتاً در استان های شمال شرقی هند متمرکز بودند، اما به تدریج به سایر نقاط هند مانند بمبئی، دهلی و بسیاری از نقاط دیگر گسترش یافتند. این مهاجران قبلاً (درگیری های ۱۹۷۸ در بخش آسام) توانایی خود برای بی ثبات کردن سیاست در بخش شمال شرقی هند را نشان داده اند (Rekha Singh, 2013: 89). در اواخر دهه ۱۹۸۰ هند برای جلوگیری از مهاجرت غیرقانونی به بنگال غربی به دنبال ساختن یک حصار در مرز بین المللی بین هند و بنگلادش بود (Bowring, 2003). پاکستان یک کشور چند قومی که از زمان استقلالش در سال ۱۹۴۷، جنبش های قومی را تجربه کرده است، گروه های اصلی قومی پاکستان از نظر تعداد عبارتند از: پنجابی، پشتون ها، سندی ها، سیدی ها، سارایکی ها، مهاجران، بلوچ ها، هندی هاوک ها، چیتالیس، گجراتی و دیگر گروه های کوچک تر از قبیل کشمیر، کالش، بوروشو، براهوی، خاور، هزاره، شینا، کالو و بالت، عمدتاً

33- Bharatiya yanata party

34- Rashtriya swayamsevak sangh

در مناطق شمالی کشور یافت می‌شوند. در پاکستان میان پنجابی‌ها، پاتان‌ها، بلوچ‌ها، سندی‌ها تنش‌هایی وجود دارد و بندر اصلی آن کشور کراچی گرفتار خشونت‌های سیاسی و جنایی قوم محورانه است. (Buzan et al., 2007: 206). درگیری شیعه و سنی، ملی‌گرایی بنگالی، جدایی‌طلبان پشتون، منطقه‌گرایی سندی و ناسیونالیسم بلوچ (استقلال بلوچستان)، نهاد فدرال دولت را در مراحل مختلف تاریخ پاکستان به چالش کشیده است. از دهه ۱۹۸۰، مهاجران (جامعه اردو زبان که از هندوستان در سال ۱۹۴۷ مهاجرت کرده و عمدتاً در مراکز شهری سند سکونت داشتند) برای حمایت از منافع خود بسیج شده‌اند؛ بنابراین، به استثنای گروه مسلط پنجابی، همه گروه‌های فرعی تحت تاثیر حس ناشی از حاشیه بودن در برابر تمرکز قدرت سیاسی واکنش نشان می‌دهند. (Bukhari, 2013, Mushtaq, 2009: 281). در مالدیو بعد از کودتای ۱۹۸۸ و اختلافات داخلی، رئیس‌جمهور قیوم از ایالات متحده آمریکا، بریتانیا و کشورهای سارک تقاضای کمک کرد (Haider, 2001: 430).

نتیجه‌گیری

بحران‌های ژئوپلیتیکی از درجه اهمیتی برخوردار هستند که بدون آگاهی از آن‌ها تحلیل دقیق مسائل و تحولات مربوط به آن مشکل خواهد بود یافته‌های کتابخانه‌ای نشان می‌دهد بحران‌های ژئوپلیتیکی در جنوب آسیا تحت تاثیر عواملی ژئوپلیتیکی چون منازعات قومی، آبی، ارضی و همچنین رقابت قدرت‌های درون منطقه جنوب آسیا می‌باشد در حال حاضر روند حوادث و ترتیبات سیاسی نشان دهنده سیر این منطقه به سوی تقابل و دشمنی‌های نهادینه شده‌ای است که به‌عنوان میراثی تاریخی از زمان تقسیم جنوب آسیا به‌جا مانده است. به دلیل این اختلافات این منطقه ژئوپلیتیکی فاقد یکپارچگی درونی می‌باشد عمق این اختلافات انچنان زیاد است که چهارچوب‌های همکاری منطقه‌ای توان تکامل ندارند بحران‌های ناشی از اختلافات سرزمینی و آبی و ژئوپلیتیکی هند و پاکستان به تنهایی کافی است تا کیفیت روابط کشورهای درون منطقه تبدیل به بحران‌های ژئوپلیتیکی شود.

می‌توان نتیجه گرفت که جنوب آسیا منطقه ژئوپلیتیکی متمایزی است که به‌واسطه شرایط طبیعی، فرهنگ، تفاوت‌های اجتماعی، سیاست و تا حد قابل توجهی مذهب از حوزه‌ها و مناطق مجاور خود متمایز می‌باشد. منطقه جنوب آسیا صحنه‌ای تضادهای درونی و تعارضات ژئوپلیتیکی مانند منازعات هند و پاکستان در منطقه کشمیر، درگیری‌های داخلی در ایالت پنجاب، ببرهای تامیل در روابط بین هند و سریلانکا، مسائل قومی؛ نژادی و مذهبی در روابط هند و بنگلادش و هند و نپال، منازعات قومی در شمال شرق هند، منازعات قومی در پاکستان اختلافات ناشی از تقسیم آب رودخانه‌های مرزی و اختلاف بر سر کنترل فضا با کشورهای خارج از منطقه که جنبه فرامنطقه‌ای به‌خود گرفته‌اند، می‌باشد. در عین حال به دلیل ناآرام و بی‌ثبات بودن این منطقه در نتیجه فضای غالب رقابتی بر روابط دو قدرت (هند و پاکستان) مهم و بزرگ منطقه، منطقه شبه قاره هند در وضعیتی است که چشم‌انداز آینده آن را در مقیاس روابط درون منطقه‌ای نمی‌توان امیدوارانه ترسیم کرد.

آنچه مسلم است هر کشوری که به برقراری ارتباط و نقش آفرینی در منطقه جنوب آسیا علاقه مند می باشد قبل از هر چیز باید فرصت ها، تهدیدات و چالش های که پایه ی اساسی گسترش و یا کاهش روابط در حوزه های مختلف با بازیگران سیاسی این منطقه می باشد را شناسایی کند. ایران هم مرز بلافاصل جنوب آسیا است و با دو کشور هند و پاکستان روابط عمیق فرهنگی و تاریخی دارد آنچه که در منازعات، بحران ها و اختلافات جنوب آسیا رخ می دهد بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران تاثیر دارد از طرفی دیگر شناخت صحیح فرصت ها و تهدیدهای فراروی نظام جمهوری اسلامی ایران در کنار بررسی ضعف ها و قوت های آن، توانایی لازم را برای حفظ و افزایش منافع ملی در منطقه جنوب آسیا که مزیت های زیادی (نزدیکی جغرافیایی، پیشینه فرهنگی و تاریخی، موقعیت ژئواستراتژیکی و ژئوپلیتیکی، بازار مصرف انرژی، توانایی های اقتصادی، قدرت سیاسی و دیپلماسی) دارد فراهم و به بالا بردن توان امنیت ملی کمک می نماید قبل از هر چیز باید نقش توامان هر دو کشور را مورد توجه قرار دهد. این در حالی است که نزدیکی ایران به یکی از طرفین باعث برانگیختن و حساسیت طرف مقابل می شود علاوه بر این چالش ها، پیچیدگی های قومی و مسائل داخلی هم در این منطقه قابل توجه است.

تقدیر و تشکر

این مقاله مستخرج از رساله دکتری رشته جغرافیای سیاسی در دانشگاه تربیت مدرس تهران می باشد فلذا بدین وسیله از کلیه مسئولان دانشگاه تربیت مدرس تهران بابت حمایت از نگارندگان در زمان انجام این پژوهش قدردانی می کنم.

References

- Abhishek, D., Rajesh Kumar, S., Nikhil, Y., (2016), "Cross border cooperation between India and Nepal in context to SAARC", *International Journal of Humanities and Social Science Research*, 3 (2): 51-5.
- Ahmer Bilal, S., (2010), "Water war with India"? [on line]: <https://www.dawn.com/news/521147/water-war-with-india>.
- Banerjee, D., (1999), "Towards comprehensive and cooperative security in south Asia", *South Asian Survey*, 6 (2): 305-318.
- Betts, R., (1979), "Incentives for nuclear weapons: india, Pakistan, Iran", *Aasian survey*, 19 (11) 1053-1072. [on line]: <https://www.jstor.org/stable/2643954>.
- Borah, P., (2016), "Ethnic movements in Assam, master thesis", Sikkim university, Department of Political Science.
- Bowring, P., (2003), "India is causing trouble for Bangladesh, International Herald Tribune – Opinion, Wednesday 22 January. [on line]: <https://b2n.ir/701266>
- Brass, P. R., (1999), "Ethnicity and nationalism: Theory and comparison", New Delhi: Sage Pub.
- Bukhari, S. M. H., Riaz, A., (2013), "Ethnic conflicts and south Asian security, Interdisciplinary, *Journal Of Contemporary Research In Business*, 5 (1): 779-794. [In Persian]: <https://journal-archieves32.webs.com/779-794.pdf>
- Buzan, B, Ole, W., Jaap, W., (2007), "*Security: A new framework for analysis*", Translator Alireza Tayeb, Tehran: Institute for Strategic Studies. [In Persian].
- Cohen, S. B., (2008), "*Geopolitics of the world system*", Translator Abbas Kardan: Tehran: Abrar maser. [In Persian].
- Esman, M. J., (2004), "*An introduction to ethnic conflict*", Cambridge: Cambridge, university.
- Etaat, J., (2106), "Analyzed the sources of tensions and threats in relations between Pakistan and its neighbors", *Journal of Political Studies*, 26 (7): 1-35. [on line]: <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id.481283>. [In Persian].
- Ghorbaninejad, R., (2013), "Finding the pattern of tension based on geopolitical resources", Ph.D thesis, Tehran university: Human Faculty. [In Persian].
- Guihong, Z., (2005), "Us-india strategic partnership: Implications for china", *International studies*, 4 (3): 277-293.
- Hafeznia, M. R., (2000), "*The principles of sociopolitical studies*", Qom: The organization of, howzaand Islamic schools.
- Hafeznia, M. R., (2006), "*Geopolitical principles and concepts*", Tehran. [In Persian].
- Haggett, P., (2000), "*New combined geography (Vol. II)*", Translator Shapoor Goodarzi Nejad. Tehran: The organization for researching and composing university textbooks in the humanities or Samt. [In Persian].
- Haider, Z., (2001), "Crises of regional cooperation in south Asia", *Security Dialogue*, 32 (4) 423-437.
- Jain, B. M., (2003), "India and russia; reassessing the time tested ties", *Pacific affairs*, 76 (3): 375-397. <https://www.jstor.org/stable/40023819>.
- Jha, K., (2017), "*Ethnic awakening in south Asia: Drawing analogy with Nepal*", Springer.
- Johnson, R., (2005), "A region in turmoil south Asian conflicts since 1947", London: Reaktion Books Ltd.

- Kazemi, A. A., (1987), "*International crisis management*", Tehran: Ministry of Foreign Affairs. [In Persian].
- Kemp, G., Robert, H., (2004), "*Strategic Geography of the Middle East*", Volume 1, Translator, Mehdi Hosseini Matin, Strategic Studies Research Institute pub: Tehran.. [In Persian].
- Kumar, B. B., (2007), "*Problems of ethnicity in the north-East India*". New Delhi: Concept Publishing Company.
- Lal, C. K., (2006), "The complexities of border conflicts in South Asia", *South Asian Survey*. 13.
- Laurie, N., (2007), "*Pro-poor Water*"? The privatisation and global poverty debate, *Special Themed Issue*, Geoforum, 38 (5): 753-907. [on line]: [https:// www. sciencedirect. com/Journal/geoforum/vol/38/issue/5](https://www.sciencedirect.com/Journal/geoforum/vol/38/issue/5)
- Mahfuz Ullah, Ed., (2010), "*Water disputes in south Asia: Threats to security*", Dhaka: Publisher mahfuz ullah.
- Malek, M., (2004), "Russian policy toward south asia", *Asian survey*, 44 (3): 384-400. [on line]: <https://b2n.ir/005304>
- McGregor, J., (2000), "The internalisation of disputes over water: The Case of Bangladesh and India", *Paper presented at the Australasian political studies association conference, Canberra, October 3-6*, Available at <http://apsa2000.anu.edu.au/confpapers/mcgregor.rtf> (accessed 17 March2008).
- Mojtahedzadeh, P., (2000), "Persian gulf countries and boundaries", Tehran: Ataiee [In Persian].
- Muir, R., (2000), "*Political geography: A new introduction*", Translated by Dorreh Mir Heidar and Yahya Safavi, Tehran: Geographical Organization. [In Persian].
- Mushtaq, M., (2009), "Managing ethnic diversity and federalism in Pakistan", *European Journal of Scientific Research*, 33 (2 9): 279-294
- Nawaz Khan, M., (2016), "Geopolitics of water in south Asia", *Journal of Current Affairs* 1 (12): 66-86. [on line]: <http://paper.researchbib.com/view/paper/114991>.
- Overholt, W. H., (2008), "*Asia, America, and the transformation of geopolitics*", Cambridge: Cambridge University Press.
- Rafi Khan, Sh, Faisal Haq, Sh., Moeed, Y., Tanveer, A., (2007), "*Regional integration, trade and conflict in south Asia*", sustainable development policy institute: Islamabad.
- Rekha Singh, Y., (2013), "*Regional cooperation in south Asia: A study of Saarc*", Aligarh: Aligarh Muslim University.
- Roshandel, J, Seifzadeh, S. H., (2003), "*Structural conflicts in the persian gulf region*", Tehran: Center for Scientific Research and Strategic Studies in the Middle East.[In Persian].
- Rubinoff, A. G., (2000), "The multilateral implications of ethno-nationalist violence in the south asia", *South asian survey*, 7 (2): 273-293.
- Sahadevan, P., (2002), "Ethnic conflicts and militarism in southasia", *International studies*. 39 (2): 103-138.
- Snedden, Ch., (2016), "Shifting geopolitics in the greater south Asia region, Asia-Pacific Center for Security Studies.
- Talwar, P. John, D., (2012), "*Domestic conflicts in India: The changing dynamics of causes and responses:Working papers in international studies centre for international studies*", Dublin: Dublin city university.

- Thakur, R., Wiggen, O., (2004), "*South Asia in the world introduction: South Asia's manifold challenge to the international community*", New york United Nations university press.
- Thapliyal, S., (1999), "Potential for cooperation in south Asia: The need for a sub-regional approach, *South Asian Survey*", 6 (1): 51-61.
- Tilly, Ch., (2003), "**Priorities for research on conflict in multiethnic country**", new yourk: Usa: national academies press.
- Vaezi, M., (2011), "*Pakistan: Internal challenges and foreign policy*", Tehran: Strategic Research Institute. [In Persian].
- Valigholizadeh, A., (2015), "*Pattern of recognizing geopolitical crises*", Tehran: Center for Strategic Studies. [In Persian].
- Williams, R., (1994), "The sociology of ethnic conflicts: comparative international perspectives", *Annual Review of Sociology*, 20: 49-79.[On line]: [https:// www. jstor. org/ stable/2083359](https://www.jstor.org/stable/2083359)
- Zarghani, M. H., (2006), "Assessing the factors and variables affecting national power and designing a model for measuring the national power of countries", PhD thesis Tarbiat Modares University: humanity faculty. [In Persian].